

بررسی ارتباط عناصر شهر ایرانی اسلامی با ساختار کالبدی بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: بافت تاریخی بیرجند)

مهدی وفایی فرد^۱

عضو هیات علمی گروه جغرافیا، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

چکیده

شهرهای کهن ایرانی - اسلامی با برقراری پیوند کالبدی و فضایی میان مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی، اداری، فرهنگی و زیست محیطی، نظامی یکپارچه و پایدار را تشکیل داده‌اند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به انسجام شهری، رعایت سلسله مراتب، تقسیم‌بندی فضاها، ساختار گروهی و اجتماعی محله‌ها، انسجام کالبدی و فضایی بازار و مسجد جامع بایکدیگر اشاره کرد. بافت تاریخی بیرجند با قدمت طولانی به عنوان نمادی از شهری ایرانی - اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از همین رو تحقیق حاضر باهدف بررسی ارتباط عناصر شهر ایرانی - اسلامی مانند انسان محوری، امنیت، اصل سلسله مراتب، طبیعت‌گرایی و حد و حریم با ساختار کالبدی بافت‌های تاریخی به مطالعه این ارتباط در بافت تاریخی بیرجند پرداخته است. نوع تحقیق حاضر از نوع تحلیلی - تفسیری و داده‌های مورد استفاده اطاعات موجود در زمینه ویژگیهای شهر ایرانی - اسلامی مستخرج در کتب و نوشتارهای تاریخی و نقشه وضع موجود بافت تاریخی بیرجند است که در نرم‌افزار ARC GIS ترسیم شده و نتایج حاصل از این مقایسه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصله نشان داد که براساس ارتباط بین ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی بافت با عنصر محله محوری، ارتباط عناصر جغرافیایی بافت با عنصر طبیعت‌گرایی، کارکرد مذهبی بافت با عنصر انسان‌محوری هم‌راستا و منطبق بر الگوی ایرانی - اسلامی بوده است؛ اما بر مبنای اصل سلسله مراتب و پیوستگی محلی به جهت احداث خیابان‌های جدید و از بین رفتن ارتباط بین کوچه‌ها و همچنین تغییرات در نوع ساختمان بافت دچار تغییرات شده و از الگوی شهر ایرانی - اسلامی فاصله گرفته است.

کلمات کلیدی: شهر ایرانی - اسلامی، ساختار کالبدی، بافت تاریخی بیرجند، ARC GIS

مقدمه

بافت‌های تاریخی بافت‌هایی هستند که در فرایند زمان طولانی شکل گرفته و تکوین یافته و امروزه در محاصره، تکنولوژی عصر حاضر گرفتار شده‌اند اگر چه این بافت‌ها در گذشته به مقتضیات زمان دارای عملکرد منطقی و سلسله مراتبی بودند ولی امروز از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی بوده و اغلب جواب‌گوی نیازهای ساکنین خود نمی‌باشند (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶). این کمبودها و ساختار فعلی را از آن جهت می‌توان ارزشمند تلقی کرد که به حوزه کالبد شهر و هویت آن بر می‌گردد. کالبد هر شهر اولین عاملی است که به هویت آن شهر اشاره می‌کند. هویت کالبدی شهرهای ایرانی در گذشته عموماً در سادگی، فشردگی، احاطه کالبد مسجد در شهر، محله‌بندی، هماهنگی و زیبایی بوده است به گونه‌ای که می‌توان به سهولت با شهرهای امروزی تمییز داد. چرا که در شهرهای امروزی بی تناسبی، بی هویتی، خودنمایی، فردگرایی، تقلید از معماری مدرن غرب، دگرگونی در فرم و فضاهای زیستی از ویژگیهای بارز آن بوده و باعث مهجور ماندن ارزش‌های فرهنگی ایرانی - اسلامی در آن شده است (خدابین، ۱۳۹۶: ۱۵).

بافت قدیمی و کهن شهرها به واسطه قدمت تاریخی و وجود عناصر با ارزش تاریخی، موقعیت مناسب ارتباطی، قرارگیری بازار اصلی شهر و قلب تپنده اقتصادی در آن و غیره، دارای ارزش و جایگاه منحصر به فردی در ساختار فضایی و کارکردی شهر می‌باشند در حالیکه این گونه بافت‌ها علی‌رغم دارا بودن پتانسیل‌ها و نقاط قوت، در طول زمان با تحولات متعددی مواجه شده و به تدریج دچار نارسایی و اختلال در ابعاد مختلف کارکردی اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، ارتباطی و زیست محیطی گردیده‌اند. این بافت‌ها در حالی از چرخه توسعه و رشد شهر بازمانده‌اند که توانمندیهای نهفته و ظرفیت‌های لازم را جهت ایفای نقشی تعیین کننده در فرایند توسعه شهرها دارا می‌باشند.

با این وجود برخی شهرها و بافتهای تاریخی هستند که باتوجه به تعییرات و نوسازیهای انجام گرفته هنوز هویت گذشته خود را حفظ نموده و براساس آن استوارند. از جمله این بافتها می‌توان به بافت تاریخی بیرجند اشاره نمود. در شهر بیرجند نیز به تبع شرایط عمومی کشور بالغ بر ۱۶۵ هکتار بافت فرسوده وجود دارد که بیش از نیمی از آن در محدوده، هسته اصلی شهر و بافت تاریخی قرار دارد به عبارتی دو پنجم وسعت شهر بیرجند قدیمی و تاریخی است و همانند بسیاری از شهرهای کوچک حاشیه کویر دچار فرسودگی و اضمحلال شده است (شکوهی، ۱۳۸۸: ۵۸)؛ اما با این وجود بافت فرسوده شهر بیرجند دارای ارزش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بالایی است و این ارزش و اهمیت در بافت فرسوده تاریخی شهر انکار ناپذیر است اما در طی سال‌های اخیر باتوجه به مشکلات موجود در بافت تغییرات در آن اعمال گشته و ساختار تاریخی آن را تغییر داده است. به عبارتی شهر بیرجند که به عنوان مرکز استان خراسان جنوبی شناخته می‌شود در دوره‌های مختلف تاریخی دارای تغییراتی در ساختار شهری و همچنین منظر شهر خود بوده است. این تغییرات در عصر حاضر به حدی زیاد بوده است که تصویر ذهنی ساکنین قدیمی شهر را دچار خدشه کرده است؛ اما این در حالی است که هویت تاریخی و کالبد آن که نشأت گرفته از هویت

شهر ایرانی اسلامی است در وضعیت فعلی و باتوجه به رشد جمعیت ساکن در آن و تغییرات انجام گرفته همچنان با هویت شهر ایرانی اسلامی همسو می‌باشد. از همین رو تحقیق حاضر در پی آن است تا مقایسه‌ای از وضع موجود بافت و کالبد آن در طی سال‌های گذشته و قبلاً از تغییرات فعلی انجام دهد و مشخص سازد که کدام ویژگیهای بافت منطبق بر شهر ایرانی - اسلامی بوده و کدام ویژگیهای آن بر ویژگی شهر ایرانی اسلامی منطبق نیست. تحقیق حاضر از نوع تحلیلی تفسیری بوده و در فرایند پژوهش برای تکمیل ادبیات موضوع برای گردآوری داده‌ها، از مطالعات کتابخانه‌ای و سپس مطالعات میدانی، در نمونه موردی (بافت تاریخی بیرجند) استفاده شده است. همچنین در این پژوهش با متن‌خوانی و تفحص در مقاله‌ها و نوشته‌های صاحب‌نظران به روش کتابخانه‌ای و اسنادی، اطلاعات اولیه جمع‌آوری شد. سپس با مطالعات میدانی و استفاده از نقشه‌های موجود بافت تاریخی بیرجند و ویژگیهای اصلی شهر ایرانی - اسلامی به مقایسه و ارتباط بین وضع موجود فعلی با ویژگی شهر ایرانی اسلامی پرداخت شد. همچنین برای ترسیم نقشه‌ها از محیط نرم افزار ARC GIS بهره‌گیری شده است.

ادبیات و پیشینه

امروزه در محافل علمی و تخصصی در زمینه شهر با هویت ایرانی - اسلامی دیدگاه‌های مختلفی از صاحب‌نظران ایران و جهان مطرح شده است. برخی همانند وینسنت کاستللو، سلیم حکیم و کلودکاهن بر این باوراند که مفهوم شهر اسلامی، مورد قبول نیست و اصولاً چنین شهری وجود ندارد. اما گروهی دیگر از اندیشه‌مندان همانند تیتوس بورکهارت به معتقد به وجود شهر اسلامی هستند و آن را شکل گرفته بر طبق اصول هنر دوران اسلامی می‌دانند (توکلی نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۶). با این وجود تحقیقاتی در زمینه هویت شهر اسلامی، ارتباط شهر ایرانی اسلامی با برخی از ویژگیهای شهری و غیره صورت گرفته است که می‌توان بصورت موردی به چندمورد اشاره نمود. نقی زاده و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود با بررسی رابطه متقابل نماهای شهری و فرهنگ، بی‌اعتنایی به مسائل زیربنایی مثل فرهنگ و هویت اسلامی را عامل اغتشاش و بی‌هویتی معماری معاصر ایران دانسته و به اهمیت معیارهایی مثل ارزش‌های اعتقادی، اجتماعی و دستاوردهای بومی اسلامی در شکل‌دهی به نماهای شهرهای ایرانی در دوران اسلامی جهت کسب هویت ایرانی اسلامی تأکید نموده است. در تحقیق دیگر خاتمی (۱۳۹۱) به مطالعه احیاء بافت‌های قدیمی شهری با تأکید بر ساختار اصلی (مطالعه موردی طراحی شهری خیابان امام سمنان) پرداخته و نتیجه‌ای که در این پایان‌نامه حاصل شده است نشان می‌دهد که حفظ بافتهای تاریخی، بهسازی کالبدی و توانمندسازی عملکردی آنها به اقدامات اولیه و مهمی مانند شناسایی وضعیت کالبدی و عملکردی این بافت‌ها و همچنین طراحی مناسب باتوجه به نیازهای استفاده‌کنندگان از آنها نیاز دارد و با ایجاد کیفیت، پتانسیل‌های اقتصادی و مکانی فضا به فعلیت در می‌آید (خاتمی، ۱۳۹۱: ۵). حمیدی و آروین (۱۳۹۳) به بررسی و ارزیابی منظر شهرهای جدید با رویکرد ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: شهر جدید پردیس) پرداخته‌اند یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که منظر شهر باید بیانگر الگوی تحمیلی از سوی دستگاه مدیریتی باشد که عموماً توسط اهالی پذیرفته نشده و به رسمیت شناخته نمی‌شوند و بدون پیوستگی فضایی است. همچنین هیچ کدام از اصول مهم شهرسازی اسلامی مانند کثرت و

وحدت، عدالت محوری، تناسب، مرکزیت گرایی، سیر در آفاق و سیر در انفس، اصل پیرایستگی، مردم‌واری، معنویت گرایی، تعادل، اصل محوربندی فضایی، برتری فضاها بر توده‌ها و طبیعت گرایی در این شهرها رعایت نشده است (حمیدی و آروین، ۱۳۹۳). باتوجه به تحقیقات فوق و برخی تحقیقات دیگر می‌توان نتیجه گرفت که اکثر این تحقیقات ساختار و هویت شهر را مورد ارزیابی قرار داده و کمتر به مقایسه این هویت با وضعیت فعلی پرداخته‌اند. از همین رو تحقیق حاضر در پی بررسی و کشف این رابطه بر مبنای مطالعه کاربریهای فعلی شهر و شاخص‌ها و ویژگیهای منبعث شده از شهر ایرانی اسلامی است.

در شهرهای اسلامی گذشته با هویت تاریخی مرکز شهر از عناصر اصلی شهر شامل مسجد جامع، مدرسه علمیه، میدان، تکیه، حمام و کاروانسرا تشکیل شده که در همه اینها عنصر اصالت عامه وجود دارد بطوری که سیمای شهر اسلامی را شکل می‌دهد. همچنین ارتباط قوی فضایی میان عناصر مجموعه مرکز شهر وجود داشته و ترکیب بافت شهر اسلامی ایران از عناصر مذکور گواهی اغلب محققان است. هاینس گوبه^۱ فهرست عناصر اصلی شهرهای اسلامی را چنین ارائه کرده است: حصار، دروازه، ارگ، راه‌های بیرون شهری، حومه، شاهراه‌ها، مسجد جامع، سازمان اداری، مدرسه، بازار، کاروانسراها و محله‌های مسکونی (کیانی ۱۳۶۵). در عین حال آثار این شیوه از سازمان شهر هنوز در شهرهای تاریخی ایران باقی و قابل ارزیابی و تشخیص است. انتزاع ذهنی از نظم میان عناصر مذکور مدل واحدی (آنچنان که محققان به وحدت آن اشاره کرده‌اند) از سازمان فضایی شهر اسلامی ایران را به دست می‌دهد: شهری برای همه ساکنان، دارای وحدت فضایی و عملکردی که عناصر نیمه مستقل آن عمومی بوده و در خدمت همه شهروندان هستند.

در مفاهیم دین اسلام اگرچه فضاهای تاریخی در جایگاه فضاهای سنتی، مطرح می‌شوند، این به دلیل قدیمی بودن آنها نیست، بلکه به جهت معنوی آنهاست و کالبد فیزیکی آنها متضمن معنا و هویتی معنوی هستند. فضاهای شهری سنتی اعم از میدان، خانه، گذرها، فضاهای باز ساختمان‌های عمومی را می‌توان عاملی برای بروز احساسات خوشایند مردم دانست. فضاهای سنتی بازتاب بازه‌های فرهنگی و فکری هر تمدن و ملتی هستند که تجلی کالبدی یافته‌اند (ملک‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲).

بافتهای تاریخی به ابنیه و فضایی گفته می‌شود که قبل از ۱۳۰۰ هجری شمسی شکل گرفته و به ثبت آثار ملی رسیده یا قابلیت ثبت شدن را دارا می‌باشند و تماماً واجد ارزش فرهنگی - تاریخی هستند. در مورد اینگونه بافت‌ها، ضوابط و مقررات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ملاک عمل خواهد بود (مطوف و خدائی، ۱۳۸۸: ۱۲۸)؛ بنابراین می‌توان گفت که مراد از بافت‌های تاریخی، آنهایی است که به رغم فرسودگی، در گستره‌شان بناها، مجموعه‌ها، تأسیسات و تجهیزات شهری با ارزش (و یا ترکیبی از آنها) وجود دارد (شهران^۲، ۲۰۰۵: ۳).

بافت تاریخی را می‌توان هسته اولیه شهر دانست. قلعه یا ارگ و یا آنچه که به عنوان پایه‌گذاری یک شهر جدید، در زمانهای پیش ساخته شده می‌تواند نام بافت تاریخی به خود را بگیرد (سبحانی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۲). در بافت تاریخی،

¹ Heinz Gubeh

² Sharan

شهرها معمولاً در ساختمان‌های قدیمی و بناهای بسیار باارزش قرار دارد. از همین رو می‌توان گفت که تاریخ ایجاد و شکل‌گیری بافت تاریخی شهرهای ایرانی را از دوره باستان به بعد می‌توان دانست (مشهدی زاده، ۱۳۷۳: ۴۲۵).
بافتهای کهن شهری کشور نماد فرهنگ و تمدن ایران زمین، اسنادی از تاریخ، نموده‌های از هویت و تجربه نیاکان ما محسوب می‌شوند. این بافت‌ها در برگزیده ارزش‌های معماری و شهرسازی و هویت ملی فرهنگی خاطرات قومی و متعلق به تمامی شاخص‌های حاضر و آینده کشور است که درعین‌حال جایگزین ناپذیر نیز می‌باشند (سرتیپی پور، ۱۳۸۵: ۲۷۳)؛ اما امروزه جایجایی جمعیت، بتدریج سبب شد تا بافت‌های قدیمی شهرها کارکرد و حیات اجتماعی - اقتصادی خود را از دست بدهند. این بافت‌ها با از دست دادن حیات شهری خود، به سمت رکود و فرسودگی سوق پیدا کرده‌اند (هیلمن^۱، ۲۰۰۴: ۲). این در حالی است که بافت تاریخی، به دلیل جامعیتی که ناشی از محتوای اجتماعی و کالبدی آنهاست، بهترین دست مایه جهت پرداختن به تاریخ و دستاوردهای تاریخی بشر بوده و تصویری است شکل یافته و زنده از واقعیت اجتماعی که در شیوه‌های گوناگون و به صورت لایه‌ها و قشرهای مختلف به زبان معمارانه در طول زمان بیان شده و باید با مفاهیم، قدمت و ارزش‌ها و سنتهای مردمی تعریف گردد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۲).

با نگاهی به بافت‌های تاریخی این نکته مشهود است که شکل‌گیری و حیات آن‌ها بر پایه اصول خاص مرتبط با اقلیم

شهر و فرهنگ ایرانی بوده و کالبد آن‌ها که در تداومی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی به صورتی هماهنگ و منسجم در آمده است (چنگیزیان و احمدیان، ۱۳۹۲: ۵۳).

در نهایت می‌توان گفت که بافتهای تاریخی و فرهنگی شهرها آثار گرانبهایی از فرهنگ، دانش معماری و شهرسازی بومی‌اند و به عنوان جزئی از هویت اجتماعی هر قوم و کشوری تلقی می‌شوند و به عناصر مادی یا وجه مادی فرهنگ، یا به طور مشخص آنچه که به قول مردم شناسان فرهنگ مادی در برابر فرهنگ نامیده می‌شود توجه می‌شود؛ بنابراین مدیریت ترویج و احیای الگوی بافت‌های تاریخی شهرها، مدیریت بخشی از منابع فرهنگی با هدف تعمیق روابط معنوی و ذهنی و نیز هویت بخشی به زندگی شهری است (طاهرخانی و متوسلی، ۲۰۰۶: ۹۸).

در زمینه موضوع این مقاله، تحقیقات زیادی انجام نشده اما به چند مورد از مربوطترین تحقیقات در زیر اشاره می‌شود: عرب عامری و همکاران در مقاله‌ای با عنوان تبیین و تحلیل شاخص‌ها و اصول مادی و معنوی آرمان شهر اسلامی، نتیجه گرفته‌اند که مهمترین تاکید شریعت مقدس اسلام در زمینه مدیریت شهری عبارتند از: امنیت شهروندان، اطمینان خاطر و روزی فراوان، در متن تحقیق علاوه بر این موارد، احکام و آموزه‌های مرتبط نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است (عرب عامری و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین زراعت پیشه و همکاران (۱۳۹۹) طی تحقیقی، به بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی و شکل‌گیری چشم انداز فضاهاى مسکونی در محدوده محله قصردشت شیراز پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که رابطه میان ارزش‌های فرهنگی، چشم انداز و ادراک وجود دارد. عناصر طبیعی

¹ Helleman

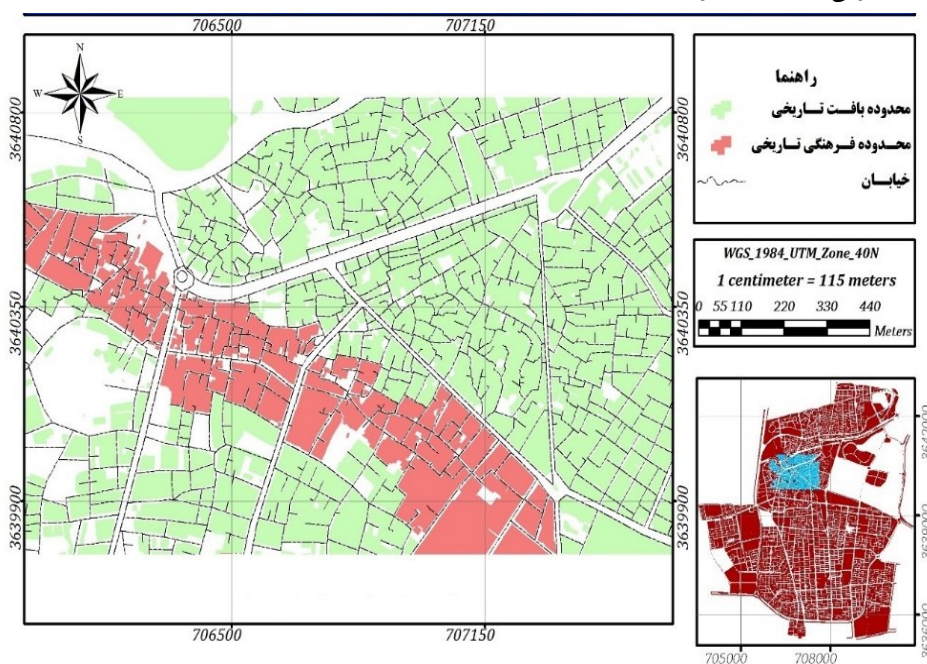
ارتباط بیشتری با ارزش‌های فرهنگی دارد و این موضوع بیانگر این است که عناصر طبیعی نقش مهم تری بر کیفیت چشم انداز دارد. در سطح معنی داری رابطه بین مولفه‌های ارزش‌های فرهنگی رابطه مستقیم و معنی دار می‌باشد، اما مولفه‌های، آداب و رسوم و مسولیت‌پذیری دارای رابطه مستقیم و معنی دار نمی‌باشد (زراعت پیشه و همکاران، ۱۳۹۹). سیدبرنجی و همکاران نیز طی تحقیقی، به بررسی نقش بناهای تاریخی در بازآفرینی پایدار و ارتقاء هویت شهری پرداختند. نتایج نشان داد که بناهای تاریخی موجود در میدان شهرداری رشت از عناصر اصلی هویت بخش به شهر و میدان هستند و از این سبب چگونگی بازآفرینی و باز تعریف نمادها و نشانه‌های موجود به منظور باز تعریف هویت میدان و شهر در دستور کار قرار دارد (سیدبرنجی و همکاران، ۱۳۹۹). طهرانی و همکاران نیز به بررسی شاخصه‌های علمی فرهنگی هویتی موثر در برنامه‌ریزی و شکل‌گیری شهر اسلامی با در نظر گرفتن نمونه موردی تهران دوران معاصر، پرداختند و نتیجه گرفتند شاخصه‌هایی چون خوانایی و پویایی، وحدت و یکپارچگی، توجه به عناصر آب و گیاهان، درونگرایی و محرمیت، توجه به مصالح بوم آورد و بهره‌گیری از فرهنگ دینی آیینی و فرهنگ بومی همواره نقش موثری در شکل‌گیری و برنامه‌ریزی شهر اسلامی ایفا نموده است. همچنین شاخصه پویایی و خوانایی حائز نقش موثرتری در برنامه‌ریزی شهر اسلامی نسبت به سایر شاخصه‌ها در تهران معاصر بوده است (طهرانی و همکاران، ۱۳۹۹).

منطقه مورد مطالعه: بافت تاریخی بیرجند

در بافت‌های کهن شهرهای تاریخی ایران، مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی به هم ارتباط پیدا می‌کنند. مجموعه، مرکز شهر متشکل از عناصر مختلف از نزدیک دروازه‌ها شروع شده و تا محله‌ها ادامه داشته است (حبیبی، ۱۳۸۵: ۵۵). بافت‌های تاریخی ایران هم اکنون اغلب نقش کانون اقتصادی - عملکردی شهر را ایفا می‌کند و مرکز استقرار بازار و بسیاری از واحدهای اقتصادی و خدماتی است بطوری که اغلب دارای مرکزیت مکانی در شهر است و خصلت مرکز شهری را نیز حفظ کرده است (طاهرخانی و متوسلی، ۲۰۰۶: ۱۰۳). همچنین وجود تعداد زیادی از ساختمان‌ها، فضاها و یادمان‌های شاخص و قدیمی شهر در محدوده بافت، که از خصلتهای تاریخی فرهنگی آن به شمار می‌رود مشخصاً حاکی از تمایز این محدوده از حوزه‌های اطراف آن است.

بافت تاریخی بیرجند که در حال حاضر به عنوان منطقه‌ای بزرگ محدوده غربی و مرکزی شهر بیرجند را در بر می‌گیرد، در گذشته بصورت پیوسته برفراز و نشیب یک رشته تپه‌های خاکی با خانه‌هایی طبق معماری سنتی بومی، متناسب با اقلیم و محیط، از خشت خام و گل با سقفهای گنبدی و بادگیرهای متعدد و به گونه‌ای متراکم و به هم پیوسته ساخته شده بود. این بافت شامل دو بخش بافت تاریخی و بخش فرهنگی تاریخی می‌باشد. بخش تاریخ بافت بیشتر شامل مناطق مسکونی و بازار بوده و بخش فرهنگی بافت بصورت طولی گسترانیده شده است (شکل ۱). شیب‌نگاری خاص بافت تاریخی بیرجند که باعث ایجاد کوچه‌های پرشیب و پر پیچ و خم و خانه‌های تقریباً منطبق شده، چشم انداز زیبایی به آنها داده است. طول دیوارها، تکرار بن‌بست‌ها و آهنگ تکرار سردر خانه‌ها نیز سیمای متنوعی به راه داده است. حدود یک قرن قبل مسیر سابطاها، آب انبارها و نقاط تاریک در این کوچه‌ها با چراغ‌های

روغنی روشن می‌شده، همه گذرها سنگ‌فرش بوده است. شهر قدیمی در اواخر قرن سیزدهم دارای تقسیم‌بندی جالبی مبتنی بر سلسله مراتب بوده است. به این ترتیب که شهر براساس مسیر سیلاب به دو قسمت بالا و پایین شهر تقسیم شده است. سپس هر کدام از این دو قسمت، به دو یا سه محله و هر کدام از آنها نیز به تعداد زیادی زیر محله تقسیم شدند. براساس این ویژگی‌های می‌توان گفت که در بافت تاریخی بیرجند ویژگی ارتباط با طبیعت به عنوان یکی از ویژگی شهر ایرانی اسلامی بخوبی رعایت شده و ساخت بافت بگونه‌ای است که می‌توان تعادل و توازن محیطی را در آن بخوبی مشاهده نمود



شکل ۱: نقشه بافت تاریخی شهر بیرجند
منبع: گیباشناسی

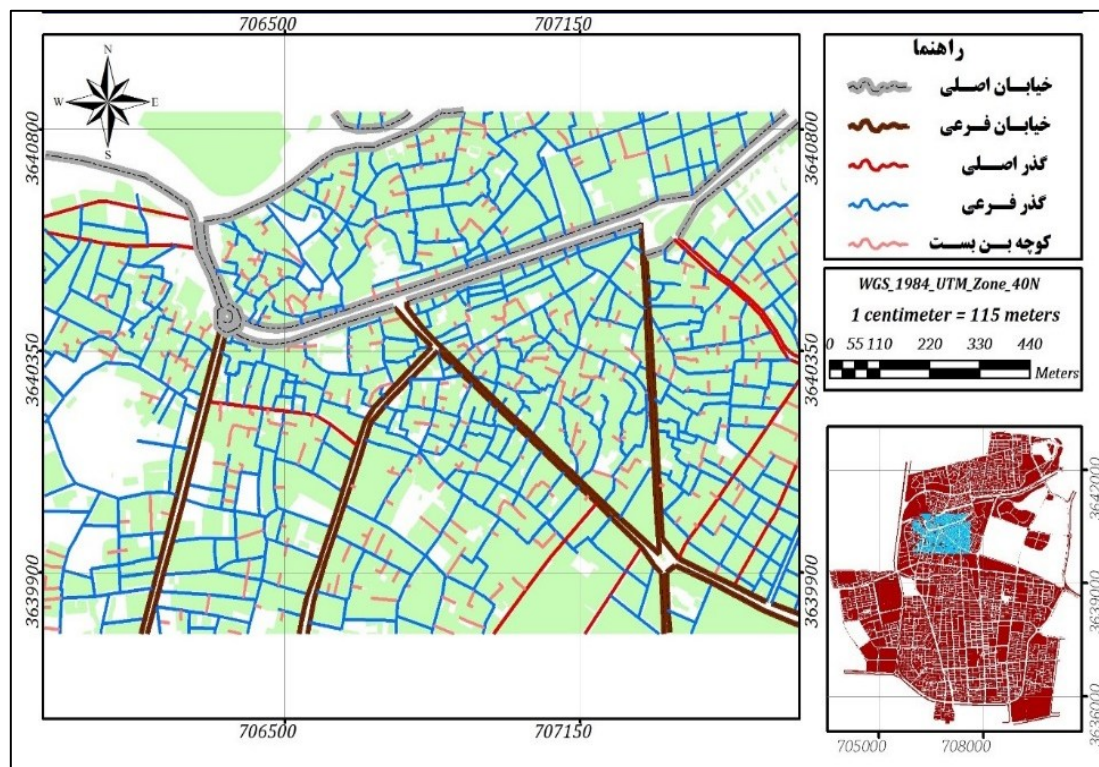
یافته‌های پژوهش

پس از بررسی و مطالعه مبانی نظری تحقیق در ادامه به بررسی ارتباط بین عناصر شهر ایرانی اسلامی و وضعیت موجود بافت بصورت مطالعات میدانی و تحلیلی تفسیری پرداخته می‌شود.

ارتباط شبکه ارتباطی با عناصر شهر ایرانی اسلامی

در بافت تاریخی بیرجند در گذشته خیابان به معنای امروزی وجود نداشته است و شبکه ارتباطی شهر از کوچه‌هایی تنگ و باریک با شکستگی و پیچ و خمهای بسیار که جابه جا بر روی آنها ساباطهایی سقف مانند ساخته و بخشی از کوچه‌ها را پوشانده بود و گاه بر روی آنها اطاقها و خانه‌هایی بنا کرده بودند تشکیل می‌شد. کوچه‌های شمالی - جنوبی شهر به اقتضای وضع طبیعی تپه‌ها پست و بلند و شیب دار بود و سربالایی و سرازیرهای تند و فراوان در شمال و جنوب تپه‌ها داشت. کوچه‌های شرقی - غربی نسبتاً هموار بود و پستی و بلندی بسیار کم داشت. در زمینه شبکه راه‌های ارتباطی در بافت تاریخی بیرجند می‌توان گفت که در این محدوده شش محور اصلی به چشم می‌خورد.

مهم‌ترین محور همان گذر معروف چهاردرخت است. این محور در حکم محور فرهنگی - تاریخی بیرجند عمل کرده، اغلب عناصر با ارزش در راستای آن واقع شده‌اند. این محورهای اساساً افقی بوده و کانون‌ها و مراکز محلات اغلب در محل تلاقی محورهای اصلی و محورهای فرعی دیگر شکل گرفته‌اند (شکل ۲).



شکل ۲: نقشه راه‌ها و گذرهای بافت تاریخی شهر بیرجند

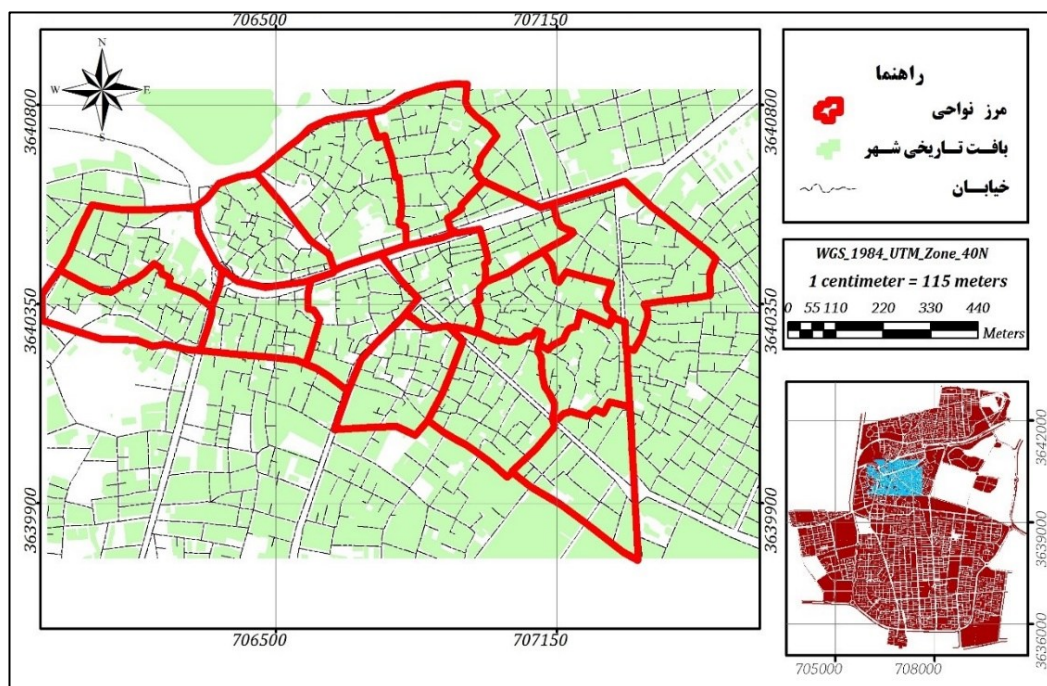
منبع: گیتاشناسی

هریک از عملکردهای یاد شده، با عنصری شاخص در چهره شهر، معرف فعالیت خود بوده و با فرایندی متقابل به سیمای شهر هویت می‌بخشد. در این بافت اندامواره، کوچه‌های پرپیچ و خم بسیاری با کارکردهای برونی (دفاعی)، درونی (محرومیت) و اقلیمی دیده می‌شود. آهنگ انشعاب کوچه‌ها از مسیر اصلی، ثابت و یکنواخت نیست. هر بخش از راه، عناصر بعدی خاص خود را دربر گرفته است؛ اما امروزه متأسفانه با ایجاد خیابانهای جدید و تازه تاسیس از جمله خیابان منتظری، خیابان مطهری، خیابان انقلاب و بطور کلی در طی گسترش شهر بیرجند در سال‌های اخیر بافت تاریخی بیرجند دستخوش تغییراتی شده است. این تغییرات منجر شده است شبکه ارتباطی بافت ساختار و ویژگی کهن خود که نمود کاملی از شهر ایرانی اسلامی بوده از دست بدهد و به سمت منطقه‌ای بی روح و بی نظم فاقد ساختار معماری منظم گام بردارد و توازن و تعادل آن که از ویژگیهای بارز شهر ایرانی اسلامی بوده از بین برود.

ارتباط ساختار محلات با عناصر شهر ایرانی اسلامی

محل را می‌توان بخشی از تقسیم‌بندی کالبدی - فرهنگی شهر دانست که دارای حوزه یا گستره جغرافیایی مشخص، جامعه محلی چشم گیر، وابستگیها، علاقه‌ها و احساسهایی همچون حس تعلق اجتماعی، رابطه‌های همسایگی و

الگوی مشترک زندگی باشد که روی هم رفته هویت مشترک فرهنگی مردمان ساکن محله و بافت آن را می‌سازد (پورجعفر، ۱۳۸۳: ۱۶۸). شهر قدیم بیرجند هنگامی که هنوز بصورت یک ده و قصبه به شمار می‌آمده از سه محله بزرگ تشکیل می‌شده که به ترتیب از شرق به غرب سرده یا دم قلعه «میان ده» یا چهاردرخت «و» ته ده یا پایین شهر نام داشتند. بطور کلی در پیدایش محلات در بافت تاریخی بیرجند عوامل مختلفی موثر بوده که مهمترین آنها را می‌توان عوامل حکومتی، خویشاوندی، اقلیمی، نظامی، اشتراک شغل، طبقات اجتماعی، وضعیت مالی مردم، مذهب، هم دیاری بودن دانست. بافت تاریخی بیرجند علاوه بر سه محله بزرگ (سرده، میان ده، ته ده) از محلات کوچکتر دیگری نیز تشکیل شده است (شکل ۳).



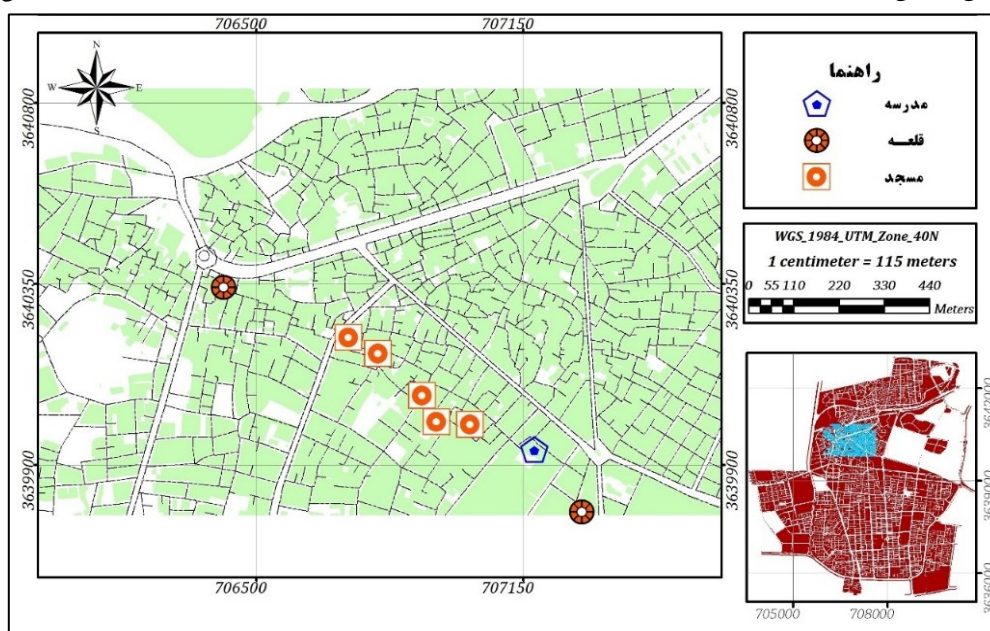
شکل ۳: نقشه محدوده محلات بافت تاریخی بیرجند منبع: گیتاشناسی

در نگاه اول به سیمای شهر سنتی در ایران، تصویری از ساخته‌های مشابه بدست می‌آید. آنچه در این تصویر جلب توجه می‌کند، نقاط برجسته، مرتفع و رنگی در میان آنهاست که از بافت عمومی تبعیت ننموده‌اند. سایر اجزای تصویر، بافتی مشابه و یکنواخت دارند. حرکت در داخل بافت شهر و مشاهده جلوه‌های درونی اجزا و عناصر شهر نیز بافتی همگن و یکنواخت با نقاط عطف در فواصل آنها را نشان می‌دهد. استاد پیرنیا شهر ایرانی را چنین معرفی می‌نماید: شهرهای پیش از اسلام بر پایه نظام طبقاتی تقسیم‌بندی می‌شوند. بعد از ظهور اسلام این مساله منتفی شد. محله‌ها، بنابر اشتراک موجود مثلاً بر اساس محلی بودن، یا براساس فعالیت‌های مشترک شکل گرفتند. محلات مختلف اگرچه اغلب دارای نوعی تقسیم‌بندی صنفی هستند، ولی تظاهر خارجی مشابهی دارند. معماری درونگرا در بافت تاریخی بیرجند، چهره‌ای همگن و یکدست به ساخته‌ها داده است.

نظر کلی در بافت تاریخی شهر بیانگر آن است که برتری جویی در آن بسیار نادر بوده، اغلب سیمایی متعادل از همه گروه‌های اجتماع ارائه می‌دهد. فقط نقاط عطف به دلیل کارکردهای عمومی برتر می‌نماید. در مقیاس بصری و حجمی سر در رفیع یک مسجد، گنبد و مناره مسجد یا مقبره، بادگیر بلند مدرسه یا آب انبار و در مقیاس فضایی، میدان یا تکیه‌ای که در میان بافت متراکم، فضایی باز یا گشاده‌ای را ایجاد می‌کند، از نمونه‌هایی هستند که با تضاد شکلی، نوری، رنگی، اندازه و امثال آن جنبه‌های شاخص سیمای بافت را شکل می‌دهند. خاطره تصویری که شهر سستی در ذهن بیننده بر جای می‌گذارد، جامعه‌ای همگن با ارتباط‌های گرم و گسترده میان اعضای آن که تنها نقاط اجتماعیشان تظاهر و برتری ویژه دارد را تداعی می‌کند. شهر دارای ساختارهای معین و کانون‌های تعریف شده بود که به میزان اهمیت آنها نسبت به محورهای اصلی، مکان‌یابی شده بودند. شکل‌گیری شهر، مبتنی بر ساختن محلات مستقل برای رفع نیازهای معیشتی همراه با ارتباط‌های فرهنگی قوی بوده است. هر محله با نظامی کوچکتر و مشابه با نظام اصلی شهر، عملکرد مخصوص به خود را داشته است.

ارتباط عناصر فرهنگی - کارکردی بافت با عناصر شهر ایرانی اسلامی

شهر به عنوان پدیده‌ای با ماهیتی فرهنگی و اجتماعی در عین برخورداری از کالبدی فیزیکی از کالبدی محتوایی و فرهنگی نیز برخوردار است (احدنژاد و فرشچیان، ۲: ۱۳۹۴)؛ بنابراین شهرها، در هر جامعه‌ای پیش از آن که محصول نقشه، آهن و بتن باشند، از عناصر فرهنگی حاکم بر آن جامعه شکل می‌گیرند (صارمی و صارمی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). عناصر خاموش و گویا، نمونه‌ای از فرهیختگی، نشانی از تاریخ ادراک، وحدت بخش و سامان‌دهنده جامعه هستند و می‌توانند ضامن استمرار فرهنگی و هویت جامعه باشند. این عناصر تحسین برانگیز و جاذب، بیگانگی از محیط را کاهش داده و درک هنری جامعه را افزایش می‌دهند و تداعی‌کننده آموخته‌ها و خاطرات جامعه هستند. عناصر هویتی فرهنگی را می‌توان در دو گروه ثابت (نظیر مسجد) و نیمه ثابت (نظیر مبلمان خیابانها) قرار داد. (شکل ۳)

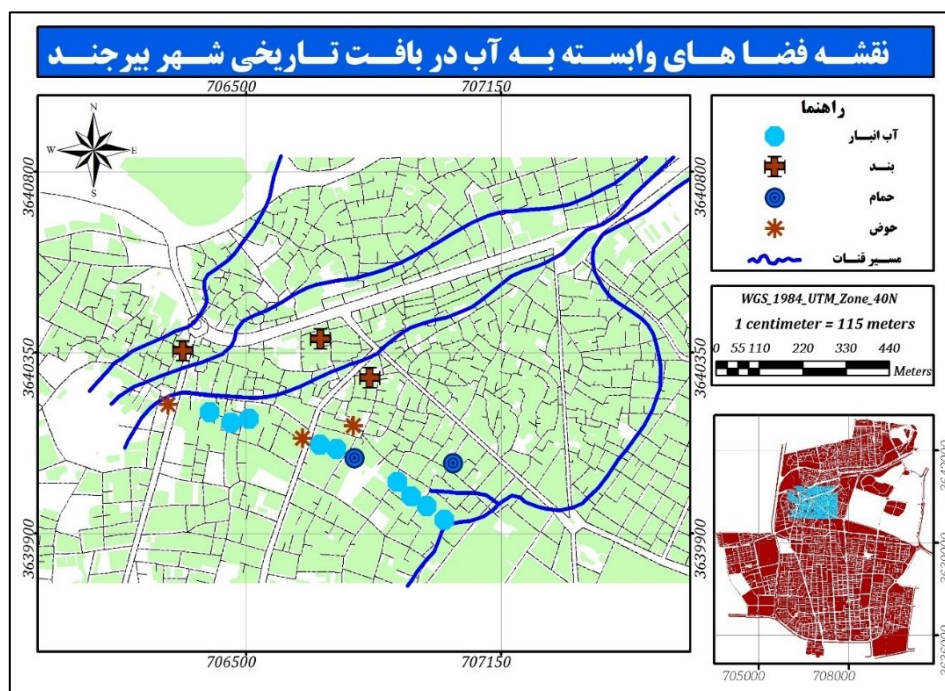


شکل ۴: جانمایی عناصر فرهنگی کارکردی در بافت تاریخی بیرجند منبع: گیتاشناسی

هویت کالبدی شهر اسلامی شامل عناصری است که هرکدام منشأ خاصی دارند که نشان گر موضوعی خاص و برگرفته از آیین مقدس است. کالبد شهر اسلامی دارای ویژگیهای خاصی است که شکل منسجمی از معماری را ارائه می‌دهد و غرق در ایمانی است که معیارها و قوانین زندگی در آن حاکم است. این عناصر شامل بازار، ارگ، مسجد، محله، مدارس، شبکه خیابانی، گرمابه، دیوار و نمای خارجی هستند. این کالبد پارادوکسی میان شکوه و سادگی را نمایش می‌دهد. در ساخت و سازها گاهی بیهودگی و فزون خواهی آدمی بر باورمندی خدایی وی چیره شده و شکوه خواهی نیز بر پاکیزگی پیشی گرفته است. هم چنین مفهوم تناظر در شهر اسلامی، انسان را هدف شهر اسلامی می‌داند و به تبع ابعاد وجودی انسان- روح و جسم- است که شهر اسلامی متناسب با انسان و نیازهای جسمانی و روحانی او شکل می‌گیرد (بابایی سالانقوج و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۵ - ۱۱۷).

نقش آب به عنوان نماد پاکی در بافت تاریخی بیرجند

در ایران وجود آب شرط اصلی شکل‌گیری شهر و روستای ایرانی است. کالبد شهر ایرانی از نظر استقرار فضاها، سلسله مراتب، ارتباط و پیوندهای آن با اجزای شهر علاوه بر ارتباط تنگاتنگ با محیط طبیعی و پیروی از ویژگی‌های بومی محل گویای تعامل اجتماعی ساکنان، همکاری و معاشرت آن‌ها بود که ضمن احترام گذاشتن به طبیعت، روابط محل‌های را نیز مورد توجه قرار می‌دادند.



شکل ۵: فضاهای وابسته به آب در بافت تاریخی بیرجند

منبع: گیتاشناسی

آب که در دین مبین اسلام مایع حیات و پاکی به شمار می‌رود بخوبی در بافت تاریخی بیرجند اهمیت و ارزش خود را نمایان می‌سازد و به وضوح می‌توان در سطح بافت اثرات آنرا مشاهده نمود. قنات که به عنوان پایه اصلی در شهرهای کویری نقش مهمی بازی می‌کند در سطح بافت مسیرهایش طوری پراکندگی پیدا می‌کند که تقریباً کل بافت

از نعمت آب آن بهره‌مند شوند همچنین پراکنش آب انبارها نیز به شیوه‌ای پراکندگی دارند که کل محدوده بافت فرهنگی تاریخی بیرجند را دربر گیرد. همچنین با توجه به شیب مناطق شمالی بافت بندها احداث شده در سطح بافت به طرز احداث شده‌اند که در زمان سیلاب کمتر آسیب به بخش اصلی بافت وارد گردد از همین رو بخوبی می‌توان از حیث فضای وابسته با آب ارتباط این عنصر حیاتی با ویژگی بافت را برقرار نمود که نمود کاملی از همسو بودن با طبیعت را نشان می‌دهد. به عبارتی بافت تاریخی بیرجند از جنبه منابع آب برمبنای بینش اسلامی و دسترسی به منابع آب کاملاً با آن همسو بوده است (شکل ۵)

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

با تجزیه و تحلیل صورت گرفته مشخص شد که بافت تاریخی بیرجند با الهام‌گیری از منابع غنی اسلامی (قرآن و احادیث)، فرهنگی (فرهنگ غنی ایرانی) و تاریخی (گذشته درخشان در فلسفه وجودی شهر و شهرنشینی) در طول تاریخ به زندگی در دل کویر ادامه داده و تا امروز توسعه یافته است اسکلت اولیه خود را که از دین مبین اسلام و قوانین شهرسازی ایرانی اسلامی الهام گرفته را حفظ نماید. با توجه به تحلیل و نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان گفت که پیاده‌سازی شاخص‌های فضایی ایرانی اسلامی در مکان‌ها و فضاهای عمومی بافت تاریخی بیرجند اعم از بوستان‌ها، مراکز خرید، مراکز اداری و تجاری، پیاده‌راه‌ها، شبکه‌های حمل و نقل، اماکن مذهبی، مراکز درمانی و... در گذشته رعایت شده و در برخی هنوز ادامه دارد و در برخی از ویژگیها تغییر یافته است. بطوری که در معماری و شهرسازی بافت تاریخی الگوگیری صرف از انگاره‌های غیروومی، یا ساخت نمونه‌های غیراصیل یا تقلیدی، بدون توجه به ویژگی‌های بستر و هویت محتوایی، منجر به توسعه بافت در راستای ناهمخوانی با هویت ایرانی - اسلامی شده است. مطالعات صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که مسأله چگونگی شکل‌گیری ساختار بافت تاریخی بیرجند، بخصوص از جنبه‌های ساختاری، از جمله مهمترین موضوعات بحث برانگیز در دوران معاصر محسوب می‌شود. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در بسیاری از نمونه پروژه‌های ساخته شده در بافت تاریخی، مسأله هویت ایرانی - اسلامی شهر به عنوان یک چالش جدی بدون پاسخ مانده است

با بررسی عناصر شاخص در شهر بیرجند به این نتیجه می‌رسیم که بازار قدیمی شهر بیرجند به عنوان عنصر انسجام‌دهنده دیگر عناصر مهم شهر است. نکته جالب دیگر قرارگیری بیشتر این عناصر به جز بازار در لبه بیرونی بافت تاریخی است. مسجد قدیمی چهار درخت، قلعه قدیمی شهر و... در حاشیه بیرونی بافت قرار دارند. از آنجایی که توسعه شهر بیرجند سبب حفظ تقریبی ساختار بافت قدیمی شده، هر دو بافت تاریخی و جدید شهر، دارای سیستم و سازمان فضایی خاص خود هستند و به حیات خود ادامه می‌دهند. ضعف عمده در این میان عدم تداوم سازمان فضایی و سیستم حاکم بر بافت قدیمی در بافت جدید است که همین امر سبب پاره پاره شدن عینی و ذهنی بافت و ساختار شهر شده است. با این اوصاف، در شرایط کنونی فقدان راهکاری برای اتصال این دو بخش به هم و ارتباطی از نوع سازمان فضایی در شهر بیرجند احساس می‌شود و می‌توان با مطالعات عمیق تر و ارائه طرح‌های مبتنی بر اصول سازمان فضایی دوباره وحدت سازمانی بافت را احیاء کرد.

منابع

- احمد عرب عامری، هاشم امیری، مصیب عباسی، زهرا سر جوانی شیراز، حسین محمدی (۱۳۹۹)، تبیین و تحلیل شاخص‌ها و اصول مادی و معنوی آرمان شهر اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱، صفحه ۲۰۳-۲۱۸
- بحری مقدم عباس، یوسفی فر شهرام (۱۳۹۲): عوامل اجتماعی فرهنگی در شکل‌گیری محله در شهر ایرانی - اسلامی و کارکردهای آن، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال نهم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۱۶-۱۰۱
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۴۶)، «روح هنر اسامی»، ترجمه حسین نصر، هنر و مردم، شماره ۵۵، بهار.
- پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۱)، معیارهای بهینه برنامه‌ریزی و طراحی بافت مسکونی شهرها با توجه به ارتباطات متقابل اجتماعی، فصلنامه مدرس هنر، سال اول، ش ۱، د.
- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۳)، زندگی معاصر و هنر مطلوب، مجموعه مقالات هنر و زندگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- توکلی نیا جمیله، صرافی مظفر، دستواره فرشته (۱۳۹۶)، تحلیل تطبیقی رهیافت‌های مرتبط با شهر ایرانی - اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال هفتم شماره بیست و هشتم تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۰-۵
- چنگیزی نگار، احمدیان رضا (۱۳۹۲)، بررسی شاخصهای هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی: بازار کرمان)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره یازدهم بهار ۱۳۹۲، صص ۶۳-۵۳
- حبیبی، کیومرث، احمد پور احمد و ابولفضل مشکینی، ۱۳۸۶، بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری، انتخاب، تهران
- حمید رضا زراعت پیشه، خسرو موحد، وحیده حجتی (۱۳۹۹)، بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی و شکل‌گیری چشم انداز فضاهای مسکونی در محدوده محله قصردشت شیراز، دوره ۱۱، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱، صفحه ۷۱۵-۷۳۴
- حمیدی اکبر، آروین محمود (۱۳۹۳): بررسی و ارزیابی منظر شهرهای جدید با رویکرد ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی شهر جدید پردیس)، کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، موسسه بین‌المللی مطالعات معماری و شهرسازی مهرآشهر ۱۳۹۳
- خاتمی متین (۱۳۹۱): احیاء بافت‌های قدیمی شهری با تاکید بر ساختار اصلی (مطالعه موردی طراحی شهری خیابان امام سمنان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده معماری و شهرسازی، استاد راهنما، دکتر مسعود علیمردانی، مهرماه ۱۳۹۱
- خدابین مصطفی (۱۳۹۶)، گذار از شهر معاصر به شهر ایرانی - اسلامی با تاکید بر مشارکت مردمی، مجله شهر و ساختمان، شماره ۹۹، فروردین ماه ۹۶، صص ۲۰-۱۵
- سیده کهربا سیدبرنجی، سید محسن حبیبی، منوچهر طیبیان (۱۳۹۹)، بررسی نقش بناهای تاریخی در بازآفرینی پایدار و ارتقاء هویت شهری (مورد پژوهی: میدان مرکزی و تاریخی رشت)، دوره ۱۰، شماره ۴ - شماره پیاپی ۳، صفحه ۱-۱۵
- شکوهِ مهشید (۱۳۸۸): ارتقاء عملکردی - کالبدی گذر تاریخی هفت منبر، دوفصلنامه دانشگاه هنر، شماره سه، پاییز و زمستان ۸۸
- شماعی علی، اقبال محمدرضا (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت محیط پیاده راه‌های شهرهای ایرانی - اسلامی (مورد مطالعه: پیاده راه میدان امام حسین)ع(و هفده شهریور)، فصلنامه علمی - پژوهشی الگوی پیشرفت سلامی ایرانی، سال چهارم شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۵۱-۱۲۷
- فاطمه طهرانی، مجید ولی شریعت پناهی، فریده اسدیان (۱۳۹۹)، بررسی شاخصه‌های علمی فرهنگی هویتی مؤثر در برنامه‌ریزی و شکل‌گیری شهر اسلامی نمونه موردی: تهران دوران معاصر دوره ۱۰، شماره پیاپی ۳۹، صفحه ۶۴۱-۶۵۱
- کیانی محمد یوسف (۱۳۶۵): شهرهای اسلامی " نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران ". تهران
- مختاری ملک آبادی رضا و همکاران (۱۳۹۴)، تبیین معیارهای بومی‌سازی شاخصهای مکانی فضای شهر خلاق با رویکرد ایرانی - اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره بیست و دوم زمستان ۱۳۹۴، صص ۳۹-۲۳
- مشهدی زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۷۳)، ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

- مطوف شریف، خدائی زهرا (۱۳۸۸): الگوهای رونق بخشی، نوسازی و بهسازی بافت فرسوده، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال تول، پیش شماره سوم
- نقره کار، عبدالمجید (۱۳۹۵)، برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری، انتشارات چپر، تهران.
- نقی زاده، محمد و همکاران (۱۳۸۸)، طرح کلی برنامه جامع احیاء شهر اسلامی، نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۳۶، تهران.
- نقی زاده محمد، زمانی بهادر و کرمی اسلام (۱۳۸۹). ملاحظات فرهنگی در شکل دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی، فصلنامه هویت شهر، دوره ۴، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صص ۶۱ تا ۷۴
- وفایی فرد، (۱۳۸۴)، در جستجوی هویت شهری بیرجند، وزارت مسکن و شهرسازی. تهران.